

عنوان:

راهکارهای برون رفت از آسیب های تعارض نقش در خانواده

استاد راهنما: سرکار خانم اکرم علی بیگی نژاد

نویسندگان: الهام اسکندری نسب و فاطمه محسنی تکلو

حوزه علمیه نرجسیه سیرجان

استان کرمان

## چکیده

در اسلام هیچ بنیادی محبوب‌تر از خانواده نیست؛ اما بروز برخی مشکلات این نهاد را با چالش‌های اساسی مواجهه می‌سازد. یکی از ریشه‌های اصلی این چالش‌ها، تعارض نقش زوجین در خانواده می‌باشد. این چالش به علت عدم آگاهی و عدم پذیرش نقش آن دو رخ می‌دهد. هدف این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای - توصیفی نوشته شده است؛ آگاه‌سازی زوجین از نقش‌های خود و ارائه راهکارهایی جهت برون رفت از آسیب‌های این تعارض، با تکیه بر دیدگاه اسلامی می‌باشد. از جمله راهکارهایی که سبب برون رفت از این آسیب می‌شوند؛ پذیرش اقتدار مرد به عنوان تکیه‌گاه و پذیرش نقش زن به عنوان منبع اصیل آرامش است. همچنین تأکید اسلام به تمکین و حفظ آراستگی به ویژه برای زن، از مواردی است که استحکام بنیان خانواده را رقم می‌زند. در نهایت زن و مرد با پذیرش نقش خود نمایانگر خانواده متعالی می‌شوند.

واژگان کلیدی: تعارض نقش، آسیب، خانواده، اسلام

## مقدمه

خانواده مهم‌ترین و اثرگذارترین نهاد تربیتی در جامعه به شمار می‌آید. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل جامعه بشری است. از این رو اسلام که برنامه تکامل انسان است، برای تأسیس این نهاد سرنوشت‌ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای مهمی ارائه داده است که باید به آن عمل شود.

باید توجه داشت، از جمله موضوعاتی که موجب تزلزل بنیان خانواده می‌شود؛ عدم آگاهی و عدم پذیرش نقش زوجین در کانون گرم خانواده است که منجر به تعارض نقش در زوجین می‌گردد. تعارض نقش، عموماً در سه حیطه مدیریت، اقتدار و محبت اتفاق می‌افتد که این امر، منجر به عدم تأمین نیازهای اساسی زن و مرد خواهد شد.

باید توجه داشت که تاکنون کتاب و مقاله مستقلی به این عنوان نپرداخته است (منظور راهکارهای برون رفت از آسیب‌های تعارض نقش در خانواده است). در این پژوهش، با ارائه راهکارهای اسلامی و منطبق با فطرت انسانی برای صیانت از نهاد خانواده و تقویت آن و پیشگیری از فروپاشی این نهاد راهکارهایی ارائه شده است.

## ۱- جابه‌جایی نقش‌ها

در جامعه کنونی به علت جابجایی ارزش‌ها و ملاک‌های افراد در خانواده متأسفانه با پدیده تعارض نقش روبه‌رویم، که امری بسیار مذموم و ناپسند است زیرا بنیان خانواده را متزلزل می‌کند. تعارض نقش به وضعیتی اشاره دارد که فرد در برخورد با دو یا بیشتر نقش‌هایی که متناقض هستند قرار می‌گیرد و نمی‌تواند هم‌زمان از انتظارات هر دو نقش برآید و نقش و وظیفه‌ی اصلی خویش را فراموش می‌کند. رهبر انقلاب در رابطه با استحکام خانواده به زوج‌های جوان می‌فرماید:

دختر و پسر باید سعی کنند پیوند ازدواج را پاسداری کنند. وظیفه یکی از آن‌ها هم نیست که هر کاری یکی از آن‌ها کرد دیگری تحمل کند. نه! باید هر دو به یکدیگر کمک کنند تا این کار صورت بگیرد. (خامنه ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰) با توجه به بیان بالا، رهبر معظم انقلاب حفاظت از پیوند ازدواج در خانواده را، همکاری و همیاری زن و مرد در خانه می دانند. ایشان در بیان دیگری در باره اهمیت نقش زن در خانه می فرمایند:

زن توی خانه که بیکار نیست. عده‌ای خیال می‌کنند زن در خانه بیکار است. نخیر، زن توی خانه بیشترین و سخت‌ترین و ظریف‌ترین کارها را انجام می‌دهد. برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش شد از همان کار خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست. بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سراپا نگه دارد. (خامنه ای، ۱۳۸۱/۳/۸) پس تبیین این موضوع که خانه داری، خانه نشینی نیست، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در واقع مدیریت فضای خانه، یکی از مهمترین و کلیدی ترین نقش های زن در خانواده است.

مقام معظم رهبری با توجه ویژه به حفظ جایگاه زوجین در خانواده می فرمایند:

گاهی اتفاق می‌افتد مرد در خانه نقش زن را پیدا می‌کند. زن حاکم مطلق می‌شود و به مرد دستور می‌دهد این کار رابکن، آن کار را نکن. مرد هم دست بسته تسلیم است. خب چنین مردی دیگر نمی‌تواند تکیه‌گاه باشد. زن، یک تکیه‌گاه خوب را دوست دارد. (خامنه ای، ۱۳۷۸/۱۲/۲۲) از این بیان رهبر انقلاب استخراج می‌شود که، این جابجایی نقش نه تنها به نفع زن نیست؛ بلکه زن را در موضع ضعف قرار می‌دهد؛ زیرا با اقتدارشکنی مرد همراه خواهد بود که این امر تکیه خواه بودن زن را نادیده می‌گیرد و تکیه‌گاه بودن مرد را نیز از بین خواهد برد که خود، یکی از علل مهم تضعیف استحکام خانواده به شمار می‌رود.

در جوامع امروزی کارکردن زن‌ها در محیط بیرون از خانه امری رایج شده است. حضرت آقا در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند: "زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد، اسلام هم مانع نیست. اما این وظیفه او نیست. این بر او واجب و لازم نیست. چیزی که بر او واجب است؛ عبارت است از حفظ فضای حیاتی برای مجموع خانواده." (خامنه ای، ۱۳۸۱/۳/۸)

از این سخن حضرت آقا می‌توانیم چند استنباط داشته باشیم:

۱. زنی که در بیرون از خانواده کار می‌کند، کارش تا جایی است که به اولویت بودن و استحکام بنیان خانواده ضربه نزند.
۲. توجه ایشان همچنین به بحث تفاوت‌های مربوط به طبیعت زن و مرد می‌باشد که با استناد به سخن امام علی (ع) ایشان می‌فرمایند:

" إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. " (نهج البلاغه، نامه ۳۱) مقتضی است که شغل‌ها و نقش این دو (زن و شوهر) نیز، برگرفته از همین طبیعت و روان آن‌ها باشد تا هم عدالت جنسیتی برقرار شده و هم استحکام و بنیان خانواده حفظ گردد.

همان گونه که حضرت آقا در دیدار جمعی از افشار بانوان به این مقوله پرداختند که، برابری زن و مرد در مسئله کرامت و ارزشهای انسانی از مؤلفه‌های منطبق قوی و عقلانی اسلام است و اما در عین حال معتقدند از آنجا که زن و مرد با توجه به

امکانات و ظرفیت‌های جسمی و روحی خود وظایف متفاوتی دارند؛ شعار «برابری جنسیتی» که برخی به صورت مطلق بیان می‌کنند غلط، و آنچه صحیح است «عدالت جنسیتی» است.

بنابراین باید در ابتدا تفاوت‌های جنسیتی را در نظر بگیریم و بعد نقش و وظیفه را تعریف کنیم. پس اولاً، توجه ویژه مقام معظم رهبری به مقوله تفاوت‌های مربوط به طبیعت زن و مرد است، که این نگاه، نشأت گرفته از مبانی اسلام است، که نه تنها به برابری جنسیتی قائل نیست؛ بلکه باور به عدالت جنسیتی دارد که در آن، تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد لحاظ شده باشد. و اگر زن قرار است در محیطی کار کند؛ باید توجه به تفاوت در طبیعت و روان او باشد که خدا برای او قرار داده است.

در نتیجه، اگر زن از لحاظ کاری، شغلی را در بیرون از منزل داشته باشد که در تقابل با طبیعت زنانه‌اش باشد؛ سبب می‌شود که زن نتواند از عهده مهم‌ترین وظیفه خود که حفظ فضای حیاتی برای مجموع خانواده‌است، برآید؛ زیرا او از لحاظ روان و جسم فرسوده خواهد شد. دوماً این امر خود جابه‌جایی نقش است. اگر زن به گونه‌ای اولویت اصلی خود را کار بیرون از خانه بگذارد، در واقع اختلاط نقش صورت گرفته است و اقتدار مرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که در مبحث اقتدار به آن پرداخته شده است.

توجه به این نکته ضروری است، به سبب جابجایی نقشی که رخ داده، زن نیز جایگاه حقیقی خود را در خانواده از دست خواهد داد. این همان مقوله مهمی است که، در این پژوهش به آن پرداخته شد و به سبب عدم پذیرش نقش‌ها، کانون خانواده دچار این مشکل خواهد شد.

توجه کنید که این آیه‌ی شریفه در مورد زن و مرد، عمدتاً در داخل خانواده چه می‌فرماید:

**" وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. " (۲۱/ روم)** یعنی از جمله‌ی

نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسان‌ها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «من انفسکم»، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو رتبه‌ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، باهم تفاوت‌هایی دارند؛ چون وظایفشان دوتاست. بعد می‌فرماید: «لتسکنوا الیها». یعنی زوجیت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده مرد در کنار زن، زن در کنار مرد آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد چون مرد جسماً قوی‌تر از زن است یک خوشبختی است؛ مایه‌ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است «لتسکنوا الیها» هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند. مهم‌ترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می‌دهد؛ هم به زن و هم به مرد. (همان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

جمله‌ی بعدی بسیار جالب و زیباست. می‌فرماید: «و جعل بینکم مودّة و رحمة». رابطه‌ی درست زن و مرد این است: مودّت و رحمت، رابطه‌ی دوستی، رابطه‌ی مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدانند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست. (همان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه‌ای فی مابین به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه‌ی عشق و مهربانی است: «مودّة و رحمة». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است، که متأسفانه برخی از مردان این ظلم را می‌کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین‌طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هرکس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه‌ی اسلامی با او مقابله کند. (همان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند به خاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود و به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا نکند که از مایملک خود به طور مستقل و با اراده‌ی خود استفاده کند، این ظلم است. اگر به زن در هنگام ازدواج، شوهری تحمیل شود یعنی خود او در انتخاب شوهر نقشی نداشته باشد و اراده و میل او مورد اعتنا قرار نگیرد این ظلم است. اگر زن، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی می‌کند و چه در صورتی که از شوهر جدا می‌شود، نتواند از فرزند خود بهره‌ی عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد اما نمی‌گذراند از این استعداد استفاده کند و این استعداد شکوفا شود، ظلم است. (همان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

ممکن است انواع ظلمها در جامعه وجود داشته باشد، که باید این ظلمها برداشته شود؛ اما درعین حال، به مسئولیت زن و مسئولیت مرد که در قبال هم هر دو مسئولیتی به عنوان تشکیل خانواده دارند، باید به چشم اهمیت نگریسته شود؛ چون خوشبختی زن و خوشبختی مرد در این است. حتی آن زنی هم که شغل بزرگی دارد، به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان با محبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی که شوهر و مرد اوست نیازمند است. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است؛ باید این نیاز برآورده شود. (همان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

یک مسأله‌ی دیگر که باز از کارهای لازم است، این است که نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند؛ اما بیشتر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آنجاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هرکسی تصدیق کند که این دقیقاً براساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و برطبق مصالح جامعه است. البته کارهای خوبی هم شده است؛ امروز هم باید با زبان امروز این کار بشود، و آلا در گذشته هم در این زمینه کارهای خوبی انجام گرفته است و اگر کسی مطالعه و توجه کند، به همین اذعان و تصدیق هم خواهد رسید. (همان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

"ان لاهلك عليك حقا" (صحيح ابن حبان، جلد ۲ صفحه ۱۹)

در روایت دیگر خطاب به او می‌فرماید: «ای عثمان! خداوند متعال چرا به رهبانیت نفرستاده؛ بلکه مرا با آیین یکتاپرستی سهل و سادگیر، فرستاده است. من هم روزه می‌گیرم و هم نماز می‌خوانم و هم با همسرم آمیزش می‌کنم. پس هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از جمله سنت من، ازدواج کردن است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، جلد ۵ صفحه ۴۹۴)

باید توجه داشت که، رعایت رهنمودهایی که درباره آداب آمیزش جنسی در روایات اسلامی آمده، مانند: احساس نیاز جنسی، شوخی و بازی، درنگ (آنچه در هنگام آمیزش رعایت آن شایسته است) نیز در تامین نیازهای جنسی بسیار موثر است. تصریح پیشوایان اسلام به این آداب، بدین معناست که آموزش جنسی در حد مشروع، نه تنها ضد ارزش نیست، بلکه اقدامی لازم و ضروری و در جهت تامین کامل این نیاز غریزی، و تحکیم نهاد مقدس خانواده است. رعایت شمار دیگری از آداب آموزش جنسی، مانند: ذکر و دعا، قداست معنوی این اقدام را تقویت می‌کند و بدین سان، وسیله دیگری برای تحکیم نهاد خانواده، فراهم می‌گردد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، صفحه ۳۹۱)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "بر شوهر در تعامل با همسرش سه چیزی ضروری است؛ موافقت با وی تا موافقت و محبت و میل او را به خود جلب کند، به خوش اخلاقی با وی و دلبری از او با آراستگی ظاهر در نگاهش و گشایش در زندگی برای او." (سترگ، ۱۳۹۶، صفحه ۱۰۸ تا صفحه ۱۱۱)

#### ۶- پذیرفتن مدیریت شوهر بر خانواده

خانواده، یک واحد کوچک اجتماعی است و اداره آن، مانند یک اجتماع بزرگ نیازمند مدیریت و رهبری واحد است؛ زیرا مدیریت جمعی ای که زن و مرد در آن مشترک باشند، بی‌معناست. ازین رو، یکی از مرد یا زن باید مدیر و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، صفحه ۴۰۵) قرآن در این جا تصریح می‌کند که مدیریت خانواده، به‌عهده مرد است:

"الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما أنفقوا من أموالهم؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنان اند؛ چرا که خداوند [از نظر اجتماعی] بعضی از انسان‌ها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است و [نیز] از آن روی که مردان از اموال خویش [برای زنان] هزینه می‌کنند." (نساء/۳۴)

بی‌تردید، منظور از این سخن، اجازه دادن به مرد در جهت خودکامگی و تضييع حقوق زن نیست؛ بلکه قرآن در عین حالی که از نظر مدیریتی، مرد را بر زن ترجیح داد؛ در حقوق متقابل زن نیز تأکید می‌نماید و می‌فرماید:

" و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجۃ؛ و برای زنان برعهده‌ی مردان، حقوقی شایسته است، مانند حقوقی که [برای مردان] بر عهده آن‌هاست و مردان بر آن‌ها [از نظر ریاست خانوادگی] برتری دارند." (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، ص ۴۰۶) این سخن، بدین معناست که همان‌طور که حقوقی برای مرد وضع شده که زن باید آن را رعایت کند، زن نیز حقوق مختلفی بر مرد دارد که رعایت آن بر وی لازم است. به‌تعبیردیگر، وظیفه، از حق جدا نیست. به همان اندازه که

زنان، وظایفی در برابر شوهر دارند، حقوقی نیز برای آنان مقرر گردیده که از تساوی این حقوق با آن وظایف، عدالت درباره آنان اجرا می‌گردد. بر این پایه، از نگاه قرآن، تفاوت جسمی و روحی مرد و زن از یکسو و وجوب نفقه زن بر مرد از سوی دیگر، زمینه‌ساز اعطای حق مدیریت حق مدیریت خانواده به مرد، و وجوب اطاعت زن از مرد در اداره امور خانوادگی است؛ اما باید توجه داشت که بی‌تردید، ریاست مرد بر زن، مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه محدود است به مقررات شرعی و اخلاقی و مقید است به رعایت حقوق متقابل زن و وظایف مشترکی که هر یک از مرد و زن در تحکیم بنیاد خانواده به‌عهده دارد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، صفحه ۴۰۶)

## ۷- بنای خانواده بر پایه مهر و مدیریت (اقتدار)

در تاسیس خانواده براساس مهر و رأفت و گرایش و جاذبه اصل زن است، و از لحاظ مدیریت تأمین هزینه، تعهد کارهای اجرایی و سرپرستی و دفاع از حوزه‌ی تدبیر خانواده اصل مرد است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، صفحه ۴۴) مؤید مطلب دوم، آیه قرآن است؛ مانند: «الرجال قوامون علی النساء» و همچنین سیره رایج بین مسلمانان نیز آن را تأیید و تأکید می‌نماید.

قوام بودن مرد، مربوط به مدیریت اجرایی است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من أموالهم» (سوره نساء / آیه ۳۴) توانایی مرد در مسائل اجتماعی و شم اقتصادی و تلاش او برای تحصیل مال و تأمین نیازهای منزل و اداره زندگی بیشتر است و چون مرد مسئول تأمین هزینه زندگی است، سرپرستی داخل منزل هم با اوست و این سرپرستی مزیتی و فضیلتی برای مرد نیست؛ بلکه کاری اجرایی و وظیفه است؛ یعنی روح قیوم و قوام بودن، وظیفه‌مندی است؛ پس قرآن کریم نمی‌گوید که زن در فرمان مرد است؛ بلکه می‌فرماید: مرد وظیفه سرپرستی زن و منزل را برعهده دارد. اگر این آیه به‌صورت تبیین وظیفه تلقی شود و نه اعطای مزیت، آنگاه روشن می‌شود که جمله «الرجال قوامون علی النساء» به معنی «یا ایها الرجال کونوا قوامین» است؛ یعنی ای مردها! به امر خانواده قیام کنید (جوادی آملی، ۱۳۸۶، صفحه ۳۲۶ و ۳۲۷)؛ همان‌طور که در مسائل قضایی می‌فرماید: «کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» (سوره نساء / آیه ۱۳۵) به عبارتی، تعبیر «الرجال قوامون علی النساء» جمله‌ای خبری است، ولی روح آن انشاء است؛ یعنی ای مردها! قوام منزل و سرپرست آن باشید و کارها را در بیرون انجام دهید و اداره زندگی را در منزل به‌عهده بگیرید؛ زیرا آسایش و آرامش زندگی مرد، در خانه است (جوادی آملی، همان)؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید:

" و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها" (سوره روم / آیه ۲۱)

برای تحکیم اساس خانواده، باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که نظم خانواده را بهم نزنند؛ زیرا اگر زن در اداره و تأمین مالی خانواده احساس استقلال و یا برابری با مرد داشته باشد و یا مرد، خانه را محل آرامش و رأفت و عطف نیابد، ناخواسته روحیه تقابل و استغنا و طغیان بروز می‌کند و قاعده "جعل بینکم مودةً و رحمةً" (سوره روم / آیه ۲۱) به دو نیروی برابر و متقابل تبدیل می‌شود و نه تنها عواطف و مهر، این مجموعه را به هم پیوند نخواهد داد، بلکه گاهی زمینه دافعه هم رشد می‌کند؛ چون گاهی زن و شوهر، خسته از کار بازگشته و نیازمند استراحت، مهر و پذیرایی از طرف دیگر هستند، لیکن طرف نیز یک لقمه نانی خورده یا نخورده از فرط خستگی در گوشه‌ای می‌خوابد و در این صورت، اجتماع و خانواده به این شکل

نمی‌گیرد. زن استقلال و استغناى خود را به رخ می‌کشد و مرد ناچار، بیرون از منزل مشکلات خود را برطرف می‌کند و این آغاز فروپاشی خانواده است و در پی آن فروپاشی اجتماع اجتماع روی خواهد داد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، صفحه ۱۷۷)

قابل توجه است که، رعایت حق ریاست شوهر، آنقدر اهمیت دارد که بر پایه شماری از روایات، یکی از عوامل بهشتی شدن زن شمرده شده است از جمله امام باقر (ع) نقل کرده اند که پیامبر اکرم (ص) در زوال عید قربان گذرشان بر زنان افتاد و فرمودند:

" ای زنان صدقه دهید و از شوهرانتان فرمانبرداری کنید. بسیاری از شما اهل دوزخ هستید، به گریه افتادند. زنی از میان برخاست و گفت: در دوزخ با کافران، ما که کافر نیستیم. فرمود: شما به حق شوهر کافر هستید." (عاملی، ج ۱۴، صفحه ۱۲۶)

توجه به این نکته ضروری است که، اسلام دو حکم الزامی را کنار هم بیان می‌کند؛ از طرفی به زن دستور تمکین شوهر را می‌دهد و از طرف دیگر، به مرد دستور کارپردازی و سرپرستی امور زن را می‌دهد و این دو حکم الزامی، بیان وظیفه و جریان امور خانواده است و هیچ کدام، نه معیار فضیلت حساب می‌شود و نه معیار نقص به حساب می‌آید.

## نتیجه گیری

۱. از دیدگاه اسلام مدیریت مرد نسبت به سرپرستی امور زن و کارپردازی خانواده یک وظیفه حیاتی و لازم محسوب می‌شود، نه اینکه معیاری برای فضیلت مرد محاسبه گردد.

۲. تمکین زن نسبت به مرد نیز وظیفه ای لازم و ضروری است و معیار نقص او به شمار نمی‌آید.

۳. مرد در نگاه همسرش از نظر قوام بودن بهترین تکیه گاه و نقطه اتکا است، به گونه ای که در روایات برای پذیرش قوامیت او نسبت به همسرش وعده ی ورود به بهشت داده شده است و در صورت سرباز زدن زن از پذیرش مدیریت مرد جایگاهی بسان کافران برایش نسبت داده شده است.

۴. مرد محبت خود را به همسرش در قالب قوامیت و کسب مایحتاج زندگی و فراهم آوردن راحتی و آرامش همسر و فرزندان ترسیم می‌کند.

۴. نقش اصیل زن در اعتای آرامش جسمی و فکری به همسرش می‌باشد.

۵. معنویت کلیدی ترین عنصر حیاتی استحکام خانواده و زیربنایی ترین عامل برای برون رفت از آسیب های تعارض نقش در خانواده می‌باشد.

## منابع

۱. قرآن کریم

۲. سید رضی، محمد بن حسین، (نهج البلاغه)؛ مترجم: دشتی، محمد، چاپ اول، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.



۳. الابی، منصور بن الحسین، (نثر الدر)؛ تحقیق: محمد علی قرنه، ج ۱، چاپ اول، مصر: الهیئه المصری العامه، ۱۹۸۱ م.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (الخصال)؛ ج ۱۰، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (من لا یحضره الفقیه)؛ تصحیح: غفاری، علی اکبر، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق.
۶. الأحسانی، محمد بن علی، (عوالی اللالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه)؛ تحقیق: العراقی، مجتبی، ج ۳، چاپ اول، قم: مطبعه سید الشهداء (ع)، ۱۴۰۳ ق.
۷. امینی، ابراهیم، (همسرداری)؛ چاپ بیست و دوم، ویرایش دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۸. بروجردی، آقا حسین و عده‌ای از فضلا، (جامع الاحادیث شیعه)؛ چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ه. ق.
۹. پاینده، ابوالقاسم، (نهج الفصاحه)؛ اصفهان: انتشارات خاتم اولیا، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. پسندیده، عباس، (هنر رضایت از زندگی)؛ چاپ یازدهم، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. سترگ، طاهره، (حقوق معنوی زوجین و رابطه آن با مودت و رحمت)؛ چاپ اول، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۹.
۱۲. السجستانی، سلیمان بن الأشعث، (المراسیل مع الأسانید)؛ تحقیق: السیروان، عز الدین، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۶ ه.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (زن در آینه جلال و جمال)؛ چاپ ۱۶، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۴. چراغی کوتیانی، اسماعیل، (خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)؛ چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بهار ۱۳۸۹.
۱۵. الحرانی، حسن بن علی، (تحف العقول عن آل الرسول)؛ تحقیق: غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن الحسن، (وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه)؛ ج ۱۴، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، بیانات؛ خطبه عقد، ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.
۱۸. همان، ۱۳۷۶/۷/۱۵.
۱۹. همان، ۱۳۷۹/۵/۱۶ ش.
۲۰. همان، ۱۳۷۶/۹/۲۴ ش.
۲۱. همان، سید علی بیانات، ۱۳۷۶/۷/۳.

۲۲. الدیلمی الهمدانی، شیرویه بن شهردار، (الفردوس بماثور الخطاب)؛ تحقیق: زغلول، محمد السعید بن بسیونی، ج ۵، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۳. طبرسی، الفضل بن الحسن، (مکارم الاخلاق)؛ تحقیق: آل جعفر، علاء، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. علاسوند، فریبا، (زن در اسلام)؛ چاپ اول، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۳.
۲۵. کاشفی، محمدرضا، (آیین مهرورزی)؛ ویرایش سوم، چاپ نهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (اصول کافی)؛ ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق.پ
۲۷. مجلسی، محمد باقر، (بحار الانوار)؛ ج ۱۰ و ۷۹، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، (تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث)؛ با همکاری ی پسندیده، عباس؛ حمیدرضا شیخی، چاپ سیزدهم، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۴.
۲۹. میرخانی، عزت السادات، (رویکردی نوین در روابط خانواده)؛ چاپ اول، تهران: سفیر صبح، ۱۳۷۹ ش.
۳۰. نیکدل، هادی، (نردبان خوشبختی)؛ چاپ دوم، قم: امیر العلم، ۱۳۹۰.
۳۱. الهندی، علی المتقی بن حسام الدین، (کنسل العمال فی سنن الاقوال و الافعال)؛ تصحیح: صفوه السقا، ج ۱۶، چاپ اول، بیروت: مکتب التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ ق.
۳۲. روزنامه جمهوری اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۱/۹/۲۶.
۳۳. ر.ک: سایت خبری تابناک، مصاحبه دکتر سید کاظم فروتن سرپرست کلینیک سلامت، ۱۳۸۷/۱/۱۹ ش.